



دکتر مریم خالقی نژاد
تحلیل‌گردیلماسی فرهنگی
همکار در مرکز مطالعات آمریکا

سیاست در هالیوود

امروزه کشورهای قدرتمند از ابزارهای متنوعی در سیاست خارجی خویش، بهره می‌برند و با توجه به اهمیت فرهنگ، ابزارهای نرم و روش‌های فرهنگی، از مهم‌ترین راهکارهای کسب قدرت هستند. در این میان، سینما و فیلم نیز یکی از پرجاذبه‌ترین و مؤثرترین ابزارهای موجود، به حساب می‌آیند. متن پیش رو با برشمردن سه موج اساسی در تاریخ هالیوود، به بررسی سیاست‌های اتخاذ شده در هریک از این دوره‌ها می‌پردازد.

هالیوود، اولین و بزرگ‌ترین تولیدکننده فیلم در جهان است که توانسته است با پیشرفت و توسعه وسایل ارتباطی در سراسر جهان به حوزه‌های مختلف، اعم از اقتصاد و سیاست نفوذ پیدا کند. با آسان‌تر شدن ابزارهای ارتباطی و در دسترس قرار گرفتن فیلم‌ها در سراسر جهان، اهمیت سینما و فیلم، چندین برابر شده است. یکی از مهم‌ترین کارایی کنونی سینما و فیلم، در حوزه سیاست خارجی است. آمریکا نیز -که به عنوان بهترین مجری قدرت نرم شناخته می‌شود- به خوبی از

این امر استفاده می‌کند که در این زمینه، هالیوود که نام بزرگ صنعت سینمای آمریکا است، علاوه بر ماهیت هنری‌اش، یک نقش سیاسی در تحقق منافع آمریکا دارد. خروجی‌های تولید شده و متنوع هالیوود به خصوص در سال‌های اخیر، به پررنگ شدن رنگ و بوی سیاسی و سیاست خارجی آمریکا در فیلم‌های آن، منجر شده است. این امر، بدین دلیل است که لابی‌گری سیاستمداران در ساخت فیلم و سریال‌های هالیوود، بسیار قوی است. از آنجا که آمریکا، انحصار تولیدات و رتبه برتر را در اختیار دارد که تا حدودی به دلیل تأثیرات هالیوود در جهان است، لذا از طریق این ابزار نرم، جهت‌های سیاست خارجی خود را طی نموده و هموارسازی مسیر را برای اهداف خویش پیش می‌برد. از مهم‌ترین محورهای مدنظر سیاستمداران -که در هالیوود اعمال شده است- عبارت‌اند از: ۱- بازنمایی تمدنی خویش؛ ۲- ترویج اسلام‌هراسی و ترویج نگاه منفی به برخی از کشورهای مسلمان، به خصوص کشورهای خاورمیانه در جوامع غربی، ۳- جذب

سرمایه‌گذار، ۴- حفظ هژمونی فرهنگی، اقتصادی و کمک به قدرت بیشتر آمریکا و ۵- تأثیر بر دشمن هراسی و پررنگ کردن مسائلی مانند حادثه ۱۱ سپتامبر (به این دلیل که سیاست خارجی آمریکا در بعد از وقوع این حادثه، دچار تغییراتی در دشمن‌شناسی شده است) و کلیشه‌های فکری از این قبیل. البته تأکید بر قدرت نرم، صنعت سینمای هالیوود و استفاده از این ابزار، نباید به غفلت از قدرت سخت در سیاست خارجی آمریکا منجر شود، زیرا این کشور با دو قدرت نرم و سخت، در پی اهداف ملی و بین‌المللی خود برآمده است و هیچ‌گاه از قدرت سخت، غافل نخواهد شد. هالیوود در سیاست خارجی آمریکا، چند موج را به تصویر کشیده است. در طول عمر سیاسی هالیوود تاکنون، مهم‌ترین موج‌های به تصویر کشیده شده، عبارت‌اند از: ۱- در دوران جنگ سرد به دلیل دشمنی با کمونیسم، هدف اصلی را بر این شاخص یعنی مقابله با ایدئولوژی و جریان کمونیسم قرارداد. در این دوره، سیاستمداران آمریکایی سعی داشتند تا از طریق ابزارهای قدرت

نرم کمونیسم و شوروی سابق - که درست در جبهه مقابل آمریکا قرار داشت - را تضعیف نمایند. از ابتدای شروع به کار، اهداف سیاسی در هالیوود در پی مبارزه با ایدئولوژی‌های مقابل با آمریکا بوده است. در این میان، برخی اتفاقات دیگر رخ داد، اما آنچه مهم است، یکی فروپاشی کمونیسم و سپس، حادثه ۱۱ سپتامبر و تغییر سیاست خارجی آمریکا به سمت خاورمیانه است که این امر، موج دوم را به وجود آورده است. ۲- با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک کمونیسم، حادثه ۱۱ سپتامبر و ضربه سختی که به آمریکا، از این حادثه وارد شد، موجب شد تا در سیاست‌های رسانه‌ای آمریکا، موج کمونیسم، کمرنگ و موج جدید خاورمیانه‌ای، اسلام‌هراسی و موضوعاتی در این حوزه پررنگ گردد. حتی در نوشتارهای آکادمیک شرق‌شناسی نیز در بعد از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، بسیاری از مطالب به نگارش درآمده، تحت تأثیر این تغییر قرار گرفته و مسیر فکری ذکر شده و تلاش برای طرد اسلام و سیاست‌های کشورهای مسلمان خاورمیانه نیز پررنگ‌تر از گذشته در منابع

آمریکایی، قابل مشاهده است؛ بنابراین در این دوره، آمریکا در پی القای برتری و حفظ هژمونی فرهنگی خود در مقابل ایدئولوژی‌های خاورمیانه برآمد و از طریق رسانه و فیلم، هویت و فرهنگ اسلامی خاورمیانه‌ای و سپس، محورهای اقتصادی را به نقد در قالب تصویر و فیلم هالیوود کشاند. تا جایی که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و با تبلیغات کاذب رسانه‌ها و فیلم‌های هالیوودی، بسیاری از مردم آمریکا و غرب، به اسلام به چشم یک دین پراز خشونت می‌نگریسته‌اند. آن‌ها در این دوره، به شکل دهی تفکرات غربی در تلقی از اعراب، اسلام و خاورمیانه، در جوامع مختلف مناسب با سیاست‌های دشمن‌هراسی خویش پرداخته‌اند. فیلم‌های ساخته شده در مورد تروریست و ضد تروریست، به خوبی توانسته بود به قدرت‌یابی آمریکا و تضعیف دشمن از طریق هالیوود کمک نماید. در کل، در این دوره بازنمایی و ترسیم شکلی نامناسب اما آگاهانه از مسلمانان و خاورمیانه، رکن اصلی تولیدات سیاسی هالیوود بوده است.

در موج بعدی (سوم) با توجه به برخی تغییرات در حوزه خاورمیانه و تلاش کشورهای دیگر در کاهش قدرت آمریکا، شاهد چند محوری شدن سیاست رسانه‌ای آمریکا در هالیوود هستیم. در سال‌های ۲۰۱۱ به بعد، منطقه خاورمیانه حول منافع کشورهای غربی، جایگاه خاص و مرکزی را پیدا کرد. در درون خود منطقه نیز برخی جنبش‌ها و تغییرات در دولت‌ها و حکومت‌ها، رخ داد که زمینه برخی تغییرات را فراهم نمود که امکان تأثیر بر سرزمین‌های دیگر را نیز داشت. ظهور انقلاب‌های رنگی، ظهور گروه‌های تروریستی مانند داعش و به خطر افتادن برخی منافع مادی و معنوی آمریکا و غرب، موجب ظهور موج جدیدی از خاورمیانه ستیزی در هالیوود شد. در این میان، افزایش قدرت کشورهای منطقه‌ای مانند ایران و دستیابی به دانش هسته‌ای نیز در صدر مسائل قرار گرفت. در این موج فکری - سیاسی هالیوود، شاهد پیرنگ شدن ایران هراسی در منطقه و جهان، توسط فیلم‌های تولید شده در هالیوود هستیم که فیلم‌های مختلف

فرهنگی برای تخریب فرهنگ‌های خاورمیانه‌ای و بد جلوه دادن سیاست‌های کشورهای اسلامی خاورمیانه مانند ایران، در نگاه مردم جهان، نمود بارز آن است؛ فیلم‌هایی مانند فیلم سید، آرگو و ...، همه برای تخریب فرهنگ کشورهای خاورمیانه در نگاه مردم جهان است که دقیقاً در راستای اهداف ملی و بین‌المللی آمریکا و کسب هژمونی بیشتر قرار دارد. در دهه گذشته، ظهور گروهک‌های تندروی اسلامی مانند داعش و نتایج و پیامدهای آن در ناامنی خاورمیانه نیز (علی‌رغم برخی حدس و گمان‌ها در کمک آمریکا و غرب به این گروهک‌ها) به خوبی در سینمای هالیوود، به پرده نمایش درآمده و حتی تلاش شده است که همه اسلام را به این گروهک‌ها نسبت دهند. در برخی تولیدات هالیوودی با نشان دادن گروهک‌های تندرو مانند زامبی‌ها، تلاش شده است که اولاً آن‌ها را اسلامی معرفی نمایند و ثانیاً در خطر انداختن و تحت تأثیر قرار دادن منافع و موجودیت متحدان آمریکا مانند اسرائیل توسط گروهک‌های تندرو را در خاورمیانه، به عرصه

تصویر بکشانند. در این موج، آمریکا تلاش داشت تارسالت خود برای جهانیان را مبنی بر مبارزه با تروریسم، به تصویر بکشد و خود را ناجی تروریسم در جهان، نشان دهد و کشورهای اسلامی خاورمیانه را عاملان تروریسم معرفی کند.

عصر جدید که عصر خاورمیانه نامیده شده، تأثیرات خود را بر هالیوود داشته است و هم‌قدم با سیاست‌های دولت آمریکا، فیلم و سریال‌های هالیوود برای مقابله با فرهنگ این دیار و به دست گرفتن کنترل این منطقه، از سوی آمریکا منتشر و تولید می‌شود که از نمونه تولیدات حمله و تخریب فرهنگ و تمدن‌های خاورمیانه بوده است. با توجه به سه موج آشکار و واضح در تبلیغ‌های سیاستی هالیوود، باید بیان شود که در اوایل قرن بیستم، هالیوود ابزاری برای تهییج عمومی در مسیر سیاست خارجی آمریکا، جهت حفظ و رشد هژمونی خود بوده است. در واقع، در جریان ابتدایی به کمونیسم پرداخت که با فروپاشی شوروی و خارج شدن رقیب دیرین آمریکا از مدار رقابتی، توجه هالیوود به



بازنمایی تمدن‌های اسلامی در خاورمیانه و جهان است؛ زیرا روزه‌روز، بر قدرت کشورهای منطقه اضافه می‌شود و آمریکا، همگام با رقابت با قدرت‌های مانند چین و روسیه، باید مانع از به میدان آمدن قدرت‌های جدید در نظم نوین شود، زیرا نمی‌تواند به آرمان هژمون جهانی و تک‌قطبی بودن جهان با مرکزیت قدرت آمریکا دست یابد، چیزی که تاکنون، به بن‌بست خورده است. جمله پایانی آنکه هالیوود، مروج سیاست‌های آمریکا بوده است و خواهد بود.

به‌خصوص کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد. در کل، رسالت سیاستی هالیوود تمرکز بر عدم نشر ایدئولوژی رقیب و به تصویر کشیدن به‌عنوان «دیگری» در اذهان مردم جهان است که آمریکا را به‌عنوان امر مطلوب و برتر از دیگران، در همه زمینه‌ها نشان دهد. به‌عبارت‌دیگر، هالیوود در خدمت بازنمایی و تقویت هژمونی آمریکا در خاورمیانه و سپس، جهان قرار دارد. آن چیزی که آشکار است، اضافه شدن خط فکری جدید در خصوص جلوگیری در عدم نشر تمدن‌های نوین یا

ایدئولوژی خاورمیانه و اسلام‌گرایی به‌عنوان رقیب متمرکز شد. در این میان، حادثه ۱۱ سپتامبر، آغازگر این امر بود. در موج بعدی - که هنوز هم ادامه دارد - با ظهور برخی گروهک‌های تروریستی، آمریکا سعی کرد تا رسالتی را برای خویش در غالب مبارزه با تروریست در جهان و جلوگیری از نفوذ اسلام و رشد کشورهای منطقه خاورمیانه رقم بزند؛ به‌همین دلیل، در بسیاری از محصولات هالیوودی، کلیشه‌های سیاه‌وسفید برای کاستن از قدرت نرم رقیبان خاورمیانه‌ای،